

کسینجر خوانی در تهران

بررسی و نقد کتاب نظم جهانی

● آرمینا آرم

دانشجوی دورهٔ دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی

چکیده

موضوع اصلی رشتهٔ روابط بین‌الملل، سامان‌دادن به روابط میان کشورها و جهان در پرتو مسئلهٔ نظم جهانی است. اهمیت این موضوع سبب شده تا اندیشمندان و پژوهشگران زیادی به مسئلهٔ نظم جهانی توجه داشته باشند. یکی از مهم‌ترین آثار در این حوزه کتاب نظم جهانی اثر هنری کسینجر است. در این کتاب نویسنده که یکی از تأثیرگذارترین متفکران عرصهٔ عملی و نظری ایالات متحده آمریکا به‌شمار می‌آید سعی در ارائهٔ تصویری دقیق از سپهر نظام بین‌الملل دارد. کسینجر معتقد است که مفهوم نظم کنونی جهان، قرن‌ها پیش در قرارداد صلح وستفاليا و بر مبنای موازنهٔ قدرت میان واحدهای اروپایی به‌وجود آمد و سپس به‌عنوان الگویی برای سایر نقاط دنیا قرار گرفت که تا امروز ادامه داشته‌است. او در این اثر علاوه بر تجزیه و تحلیل نظم جهانی کنونی، سیر تاریخ روابط بین‌الملل و مناطق مختلف جغرافیایی را نیز مورد بررسی قرار داده‌است. شناخت دیدگاه‌های او به‌عنوان دیپلماتی کهنه‌کار و تأثیرگذار در سیاست خارجی ایالات متحده برای پژوهشگران این حوزه الزام‌آور و مفید می‌باشد.

واژه‌های کلیدی:

نظم جهانی، ایالات متحده آمریکا، روابط بین‌الملل، هنری کسینجر.

مقدمه

کتاب نظم جهانی^۱ تازه‌ترین اثر هنری کسینجر^۲ با ترجمهٔ محمدتقی

1. World Order
2. Henry Kissinger



■ کیسینجر، هنری (۱۳۹۶). نظم جهانی، ترجمه محمد تقی حسینی، تهران: علمی و فرهنگی
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۶-۲۱۱-۵

حسینی بی‌تردید یکی از مهم‌ترین آثار در حوزه روابط بین‌الملل و مسئله محوری این رشته یعنی نظم بین‌المللی است. این مسئله از آنجایی با اهمیت است که نه تنها دغدغه اصلی کتاب یکی از موضوعات اصلی عرصه سیاست بین‌الملل است بلکه نویسنده سیاست‌مدار و نظریه‌پرداز با تجربه در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا به‌عنوان قدرتی بزرگ می‌باشد. سؤال اصلی کتاب این است که نظم جهانی کنونی بر چه اساسی شکل گرفته است و چگونه می‌توان از فروپاشی و زوال آن جلوگیری کرد؟ برای پاسخ به این پرسش نویسنده با شرح تاریخ روابط بین‌الملل در اروپا به سرشت تاریخی شکل‌گیری نظم می‌پردازد و با برشمردن تهدیدات فعلی برای برهم خوردن نظم جهانی توصیه‌هایی ارائه می‌دهد. دور از انتظار نیست که کیسینجر به‌عنوان دیپلماتی آمریکایی، ایالات متحده را در مرکز این نظم قرار می‌دهد و بیشتر توصیه‌های او بر مبنای رفتار این کشور برای حفاظت از نظم و صلح بین‌المللی قرار دارد.

نظم جهانی کنونی که از میان خرابه‌های دو جنگ جهانی به وجود آمده ریشه در نظم قرن نوزدهم دارد. از نظر کیسینجر «معاهده صلح وستفالی نقطه عطفی در تاریخ ملت‌ها بود؛ زیرا عناصری که از آن به وجود آمد بسیار ساده ولی تأثیرگذار بود» (کیسینجر، ۱۳۹۶، ص. ۱۹). در نظام وستفالی^۱ اصول نظام روابط بین‌المللی شکل گرفت که در آن اروپایی‌ها به‌نوعی از توازن قوا دست یافتند تا از بروز دوباره جنگ‌های خانمان‌سوز پرهیز شود. کیسینجر این رویداد مهم را به‌عنوان نقطه عزیمت خود برای بررسی نظم جهانی قرار می‌دهد و بر منحصر به فرد بودن این دوره اروپا

1. Westphalian

تأکید می‌کند. بنابراین او نظام موازنه قدرت اروپایی را به‌عنوان الگویی برای سایر مناطق جهان در نظر می‌گیرد.

به‌گفته کسینجر، او چگونگی ایجاد نظم مشترک بین‌المللی در دنیایی بر مبنای دیدگاه‌های مختلف تاریخی، درگیری‌های خشونت‌آمیز، تکنولوژی و افراط‌گرایی ایدئولوژیک را تحلیل می‌کند. کسینجر معتقد است که در زمان ما تلاش برای ایجاد نظم جهانی نیاز به درک متقابل جوامع از یکدیگر دارد. به‌عبارت دیگر فرهنگ به جهان‌بینی‌های جوامع شکل می‌دهد، اما فرهنگ یک مانع غیرقابل نفوذ برای مدل گسترده‌تر نظم است که می‌تواند رژیم‌های مختلف را با هم متحد سازد. به این معنا، این کتاب نظر هانتینگتون^۱ مبنی بر برخورد تمدن‌ها^۲ را قبول ندارد و با ایده معروف فرانسیس فوکویاما^۳ در مورد پایان تاریخ^۴ در تقابل است. او ادعا می‌کند که نظم جهانی واقعی مستلزم ارتباط تمدن‌ها با هم است. به‌طور خلاصه این کتاب روایتی از ریشه شکل‌گیری و وضعیت کنونی نظم بین‌المللی از زبان یکی از برجسته‌ترین متفکران عصر کنونی است. در این نوشتار ضمن معرفی کتاب نظم جهانی، این اثر مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

فصلنامه نقد کتاب

علم‌انشا

سال اول، شماره ۴-۳
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

۱۱۳

معرفی اثر و نویسنده

هنری آلفرد کسینجر^۵ دیپلمات آمریکایی و وزیر امور خارجه و مشاور امنیت ملی سابق ایالت متحده است. او در ۲۷ مه سال ۱۹۲۳ در خانواده‌ای یهودی‌الاصل در آلمان به دنیا آمد و در سال ۱۹۳۸ از آلمان تحت کنترل نازی‌ها به ایالات متحده آمریکا گریخت و در نیویورک ساکن شد. او سیاست‌مدار و مشاور سیاسی در دولت‌های مختلف آمریکا بوده که در چند دهه اخیر در صحنه سیاست‌سازی این کشور نقش مهمی داشته است. از او به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین متفکران سیاست‌های امور خارجه ایالات متحده آمریکا نام برده می‌شود. هنری کسینجر در رویدادهای مهم بین‌المللی مانند جنگ ویتنام، بحران کوبا، وقایع شیلی و دولت پینوشه، جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل، مذاکرات کاهش و کنترل تسلیحات استراتژیک (سالت) و تنش‌زدایی با چین نقش تأثیرگذاری ایفا کرده است. کسینجر همواره با سخنرانی‌ها و تألیفات خود به مسیر سیاست خارجی

1. Samuel Huntington
2. Clash of civilizations
3. Francis Fukuyama
4. End of history
5. Henry Alfred Kissinger

امریکا شکل داده‌است و به‌همین دلیل بررسی آثار او از اهمیت بالایی برخوردار است. از جمله مهم‌ترین آثار او در حوزه سیاست خارجی عبارتند از: تسلیحات هسته‌ای و سیاست خارجی (۱۹۵۷)، سیاست خارجی آمریکا (۱۹۶۹)، دیپلماسی (۱۹۹۴) و چین (۲۰۰۱).

کتاب نظم جهانی^۱ نوشته هنری کسینجر و ترجمه محمدتقی حسینی در ۴۵۷ صفحه و با شمارگان ۱۵۰۰ نسخه از سوی شرکت انتشارات علمی و فرهنگی در سال ۱۳۹۶ به‌چاپ رسیده‌است. موضوع اصلی کتاب امنیت و روابط بین‌الملل به‌طور کلی و نظم بین‌المللی به‌طور خاص می‌باشد. دغدغه‌محوری کسینجر در این کتاب نظم جهانی است و در این راستا به‌دنبال پاسخ به این سؤالات می‌باشد: نظم کنونی جهان چگونه شکل گرفته‌است؟ این نظم از کجا شروع شد؟ ژئوپولیتیک هر منطقه و بازیگران اصلی آن چگونه بر این نظم تأثیر گذاشتند یا تأثیر پذیرفتند؟ این کتاب تقریباً تمام نقاط جهان، به جز آمریکای لاتین را پوشش می‌دهد.

علاوه بر مقدمه مترجم و پیشگفتار، کتاب شامل ۹ فصل اصلی و سخن پایانی است. در مقدمه مترجم، خلاصه‌ای از ساختار اصلی کتاب به‌همراه دلایل اهمیت موضوع نظم بین‌المللی در رشته روابط بین‌الملل ذکر شده‌است. مقدمه کتاب به‌دنبال ارائه مفاهیم مختلف نظم جهانی است. در این قسمت، نویسنده بر چهار مفهوم مختلف «نظم جهانی» متمرکز می‌شود. نخست، سیستم موازنه قدرت اروپایی است. در این مفهوم، کسینجر به قرارداد صلح وستفاليا به‌عنوان نقطه آغازین این نظم اشاره می‌کند. دومین مفهوم نظام اسلامی است. کسینجر معتقد است که نظم جهانی اسلام براساس مأموریتی است تا دارالحرب را به نظم جهانی خود متصل کند و به این ترتیب صلح جهانی را به ارمغان بیاورد. مفهوم سوم، موازنه قدرت آسیایی است که از سه دیدگاه مختلف (ژاپن، هندوستان و چین) مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این راستا، او تأکید می‌کند که نظم تاریخی اروپا مستقل بوده‌است در حالی که نظم معاصر آسیایی شامل دخالت قدرت‌های بزرگ خارجی می‌شود. آخرین مفهوم نظم موردنظر کسینجر، نظم آمریکایی است. این بخش همچنین سه سطح نظم را تعریف می‌کند: نظم جهانی، نظم بین‌المللی و نظم منطقه‌ای، که هر کدام بر پایه دو اصل است: مجموعه‌ای از قوانین معمول پذیرفته‌شده و موازنه قدرت. فصل اول با عنوان «اروپا: نظم تکثرگرای جهانی» بر نظم اروپایی، ایجاد صلح وستفاليا، انقلاب فرانسه و پیامدهای آن متمرکز شده‌است. در

این بخش، تاریخ نظم جهانی در اروپا که به دنبال یک سری رویدادها (یعنی جنگ‌های سی‌ساله) منجر به قرارداد صلح وستفالی شد و راه را برای مفهوم مدرن نظم جهانی هموار ساخت، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. از نظر نویسنده «معاهده صلح وستفالی نقطه عطفی در تاریخ ملت‌ها بود زیرا عناصری که از آن به وجود آمد بسیار ساده ولی تأثیرگذار بود» (کسینجر، ۱۳۹۶، ص. ۱۹). این فصل همچنین به بررسی دوره انقلاب فرانسه و تأثیر آن بر موازنه قدرت اقتصادی اروپا که توسط سیستم وستفالی حفظ می‌شد، توجه کرده است.

عنوان فصل دوم «نظام موازنه قدرت اروپایی و پایان آن» می‌باشد. در این فصل نویسنده بر نقش مهم و موقعیت یگانه روسیه به عنوان قدرتی اوراسیایی که در هر دو قاره گسترش یافته است، تأکید می‌کند (کسینجر، ۱۳۹۶، ص. ۵۳). پس از جنگ‌های ناپلئونی و به خطر افتادن نظم اروپایی، کنگره وین در سال ۱۸۱۴ توانست با برقراری مجدد نظم، سیستم توازن قوا را احیا کند. نویسنده همچنان به بحث درباره موازنه قدرت در اروپا طی جنگ‌های جهانی و پس از جنگ جهانی دوم ادامه می‌دهد. از نظر کسینجر اصول توازن قدرت که در طول پیمان وستفالی که تقریباً چهار قرن پیش مطرح شده، رو به زوال گذاشته است و چند سؤال در رابطه با عدم قطعیت توازن قدرت در اروپا در این فصل مطرح شده است.

عنوان فصل سوم «اسلام‌گرایی و خاورمیانه: دنیایی پر آشوب» است. پس از بررسی نظام موازنه قوا در اروپا، این کتاب با نگاهی به نظم جهانی اسلام، بهار عربی، جنگ سوریه و مسئله فلسطین به اسلام‌گرایی و خاورمیانه می‌پردازد. در این بخش، نویسنده جهان و دین اسلام را با شرح تاریخ اسلام و روند گسترش امپراتوری عثمانی برجسته می‌کند. در این فصل به صورت اجمالی به بهار عربی، بحران سوریه، پادشاهی عربستان سعودی و روند نزولی قدرت در جهان اسلام پرداخته شده است. کسینجر معتقد است: «در هیچ کجای جهان مسئله نظم جهانی بدین بغرنجی نیست و تا زمانی که دستیابی به مفهوم نظم جهانی رخ ندهد، منطقه همواره در کشمکش میان گرایش به جامعه جهانی و نزاع با آن گرفتار خواهد ماند» (کسینجر، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۰).

فصل چهارم بر روابط ایران و آمریکا و رویکردهای نظم تمرکز دارد. این فصل به تقابل ایران و ایالات متحده در دوران پس از انقلاب اسلامی و همچنین نقش ایران انقلابی در تغییر نظم سیاسی در خاورمیانه می‌پردازد. او به مسائل مربوط به گسترش سلاح هسته‌ای در ایران اشاره

می‌کند و معتقد است ایران به‌دنبال ترسیم نظم‌ی نوین در منطقه است. کسینجر در رابطه با حکومت‌داری ایران اظهار داشته‌است: «در میان همه کشورهای منطقه، ایران دارای منسجم‌ترین شکل ملیت و دقیق‌ترین سنت حکومت‌داری بر مبنای منافع ملی است» (کسینجر، ۱۳۹۶، ص. ۱۷۰). علاوه بر این، حکومت‌داری ایران براساس سنت امپراتوری ایران است. کسینجر به آینده روابط ایران و آمریکا امیدوار است و با تأکید بر نقش کلیدی ایران به عنوان یک بازیگر مهم منطقه‌ای، تنها راه ثبات خاورمیانه را در رابطه مثبت بین ایران و ایالات متحده آمریکا می‌داند ولی ایجاد این رابطه را مبنی بر تغییر بنیادین در حاکمیت ایران عنوان می‌کند.

فصل پنجم تحت عنوان «ویژگی‌های چندبعدی آسیا»، با نگاهی متفاوت به آسیا و نظم جهانی از دیدگاه کشورهای مهم آسیایی مانند ژاپن و هند به این موضوع می‌پردازد. نویسنده در این فصل، مفاهیم آسیایی و اروپایی موازنه قدرت را با بیان این‌که مفهوم توازن قوا در آسیا، نسخه مدرن سیستم وستفالی نظم بین‌المللی است، مقایسه می‌کند؛ با این حال، برخلاف سیستم اروپایی مبتنی بر حاکمیت برابر، نظام آسیا براساس سلسله‌مراتب استوار است. در پایان این فصل، نویسنده در مورد نظم منطقه‌ای آسیایی سؤال می‌کند و نقش تأثیرگذار اندونزی را در آسیای جنوب شرقی در موازنه با چین، ایالات متحده و جهان اسلام برجسته می‌کند. به‌همین ترتیب، کره جنوبی هم که تحت تأثیر اقتصادهای بزرگ جهان قرار دارد نقش مهمی در موازنه قدرت شرق آسیا ایفا می‌کند. فصل ششم، درباره نظم آسیایی: رویارویی یا همکاری؟ به چین، نقش آن در نظم جهانی و همکاریش با ایالات متحده مربوط می‌شود. این فصل به نقش چین در نظم بین‌المللی و نظم جهانی آسیا با توجه به مفهوم چینی «پادشاهی میانه» که موقعیت عالی چین را در طول تاریخ نشان می‌دهد، تأکید می‌کند. با ثروت اقتصادی و توانایی تولید کالاهای مطلوب، چین می‌تواند نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود را در حوزه منطقه‌ای و جهانی اعمال کند. بنابراین چین تنها رقیب جهانی برای ایالات متحده در نظم جهانی است. در نتیجه‌گیری فصل ششم، کسینجر معتقد است دیدگاه منفی و متفاوت میان چینی‌ها و آمریکایی‌ها چشم‌انداز روابط میان این دو کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. او پیشنهاد می‌کند که تعادل مدرن قدرت باید بر مبنای مفهوم مشارکت باشد نه رویارویی یا رقابت تسلیحاتی؛ برای انجام این کار، چینی‌ها و آمریکایی‌ها باید همکاری سازنده‌ای را تجربه کنند که بتواند منجر به ایجاد جهانی صلح‌آمیز در آینده شود.

فصل‌های هفتم و هشتم به ایالات متحده و مفهوم نظم جهانی اختصاص یافته‌است. فصل هفتم، عمل برای بشریت: ایالات متحده و مفهوم نظم جهانی آن، نقش ایالات متحده در صحنه جهانی را بررسی می‌کند و مفهوم نظم جهانی آمریکایی را از دیدگاه سه رییس جمهور آمریکا یعنی تئودور روزولت، وودرو ویلسون و فرانکلین روزولت تجزیه و تحلیل می‌کند. از دیدگاه واقع‌گرایانه تئودور روزولت، ایالات متحده به‌عنوان بزرگ‌ترین قدرت و در جایگاهی منحصربه‌فرد برای تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت تمام جهان بود. این در حالی بود که وودرو ویلسون به‌عنوان یک آرمان‌گرا ایالات متحده را به‌عنوان وجدان جهانی قلمداد می‌کرد. از نظر او مأموریت آمریکا ایجاد صلح در جهان بود و مداخله آمریکا در جنگ جهانی اول، به‌دنبال تلاش برای دستیابی به قدرت یا منافع شخصی نبود، بلکه بازگرداندن صلح و نظم جهانی بود. فرانکلین روزولت هم که فردی آرمان‌گرا بود، بر ایجاد نظم و صلح بین‌المللی از طریق اعتماد، احترام به حقوق بین‌الملل و روابط دوستانه تأکید می‌کرد.

فصل هشتم با عنوان «ایالات متحده: ابرقدرت مردد» بر نقش و مسئولیت‌های ایالات متحده در قبال نظم جهانی می‌پردازد. طبق گفته کسینجر تمامی دوازده رییس جمهور پس از جنگ بر نقش بی‌بدیل آمریکا در حفظ صلح و نظم جهانی تأکید کرده‌اند و تمام تلاش خود را در این راستا انجام داده‌اند (کسینجر، ۱۳۹۶، ص. ۳۳۳). از زمان پایان جنگ جهانی دوم، ایالات متحده به‌عنوان ابرقدرتی مردد دیده می‌شود که قادر به تصمیم‌گیری در مورد ماهیت نقش جهانی خود نیست، یعنی در معرض چالش میان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی قرار دارد. در طول این فصل، کسینجر در مورد وقایع تاریخی به‌ویژه پنج جنگی که ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم در آن‌ها شرکت داشته (کره، ویتنام، جنگ خلیج فارس، عراق و افغانستان)، به‌منظور ارائه سیاست خارجی دوجانبه آمریکا، توضیح می‌دهد. کسینجر سعی می‌کند به خوانندگان کمک کند تا مبارزه آمریکا را با چالش واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی بهتر درک کنند. این‌که چگونه هر یک از رؤسای جمهور ایالات متحده از هری ترومن تا جرج بوش سعی داشتند نفوذ جهانی آمریکا و انسجام ملی را حفظ کنند و سعی در ایجاد نظم جهانی داشتند.

در فصل نهم و آخر با عنوان «فناوری، موازنه و ناخودآگاه انسان» نویسندگان نظم جهانی را در عصر هسته‌ای و با توجه به چالش گسترش تسلیحات هسته‌ای، نقش فناوری در نظم جهانی و ایجاد سیاست خارجی در

دوران دیجیتال بررسی می‌کند. بدیهی است که تسلیحات هسته‌ای تأثیر چشمگیری بر نظم بین‌المللی دارد و تمرکز اصلی سیاست خارجی هر کشوری، به‌ویژه ابرقدرت‌های هسته‌ای این است که سایرین از سلاح‌های کشتار جمعی استفاده نکنند. بنابراین کشورهای هسته‌ای باید برای عدم گسترش تسلیحات هسته‌ای و حفظ نظم بین‌المللی با یکدیگر همکاری نزدیکی داشته باشند. نویسنده همچنین بر اهمیت فناوری‌های سایبری و آگاهی انسان در شکل‌دادن به روابط میان کشورها و نظم بین‌المللی تأکید می‌کند. در فصل پایانی کسینجر نتیجه‌گیری می‌کند که خرد و آینده‌نگری در دوران تکنولوژیک لازم می‌باشد.

کسینجر در نتیجه‌گیری کتابش با تکیه بر تأثیر دو گرایش یا عدم موازنه در مورد تکامل نظم بین‌المللی بحث می‌کند: تعریف مجدد مشروعیت و تغییر قابل توجه در توازن قوا. گرایش اول مربوط به تغییر ارزش‌ها و هنجارها در نظم بین‌المللی است، در حالی که گرایش دوم مربوط به عدم توانایی کشورها برای پذیرش تغییرات عمده در روابط قدرت است. با وجود این عدم توازن میان قدرت و مشروعیت، کسینجر چهار بعد مهمی را که در نظم جهانی قرن بیست‌ویکم از دست رفته است یعنی ماهیت دولت، سازمان سیاسی و اقتصادی جهان، عدم وجود سازوکار مؤثر برای مشورت، همکاری قدرت‌های بزرگ و نقش مردم آمریکا در جهان را برمی‌شمارد. او نقش ایالات متحده را در تنظیم و حفظ نظم جهانی با اهمیت می‌داند و معتقد است ایالات متحده ناچار به ایفای نقشی مسئولانه در تکامل نظم جهانی در قرن بیست‌ویکم است. به‌گفته نویسنده تلاش برای برقراری نظم جهانی در دوران کنونی نیاز به یک استراتژی منسجم برای ایجاد مفهوم نظم در مناطق مختلف و ارتباط نظم‌های منطقه‌ای با یکدیگر دارد.

بررسی و نقد شکلی اثر

کتاب نظم جهانی صفحه‌آرایی، کیفیت چاپ، صحافی و قطع مناسبی دارد. غلط چاپی برجسته‌ای در متن مشاهده نمی‌شود. بر طرح روی جلد کتاب، تصویری کلوزآپ از هنری کسینجر نقش بسته است که با نگاهی نافذ به مخاطب می‌نگرد. به‌طور کلی می‌توان گفت کیفیت چاپ کتاب در سطح عالی است. از نظر رعایت قواعد عمومی نگارش و ویرایش، متن رسا و شیوا است و رعایت علائم نگارشی و ویرایشی در آن موجب شده تا متن اثر برای عموم خوانندگان قابل فهم باشد. در ترجمه اثر قواعد عمومی نگارش رعایت شده است و به‌طور کلی اثر از لحاظ ترجمه بسیار روان و رسا می‌باشد.

یکی از اصطلاحاتی که به کرات در متن کتاب استفاده شده است، موازنه قدرت^۱ است. کسینجر به عنوان متفکری واقع‌گرا به این مفهوم توجه ویژه‌ای داشته است؛ به طوری که در تمام فصل‌های کتاب خوانندگان با آن روبرو می‌شوند. مترجم اثر، این اصطلاح را در قسمت‌های مختلف به خصوص نیمه نخست کتاب به «تعادل قدرت» ترجمه کرده است و در قسمت‌های دیگر «موازنه قدرت» را به کار برده است. از آنجایی که این کتاب درباره یکی از اصلی‌ترین مسائل رشته روابط بین‌الملل نوشته شده است و مفهوم «موازنه قدرت» در ادبیات مکتب واقع‌گرایی بسیار متداول می‌باشد، به نظر می‌رسد ترجمه balance of power به «موازنه قدرت» صحیح‌تر می‌باشد.

بررسی و نقد محتوایی اثر

کسینجر به عنوان دیپلماتی آمریکایی و فردی که سال‌ها در روند سیاست‌گذاری ایالات متحده نقش تأثیرگذاری داشته است، از زاویه دید آمریکا و نقش این کشور در نظم جهانی به مسائل بین‌المللی می‌نگرد. اگرچه این مسئله طبیعی به نظر می‌رسد اما در مواردی مشکل‌ساز است. نویسنده مکرراً استدلال می‌کند که چگونه ایده‌های اروپایی جهان را شکل داده و چگونه رخدادهای تاریخی اروپا در اواخر قرن پانزدهم باعث ایجاد اولین نظم جهانی شد. این مسئله سبب نادیده گرفتن نقش سایر نقاط جهان شده است. تاریخ اندیشه‌ها به طور کامل یک‌طرفه نیستند و تمدن اروپایی به شدت از نوآوری‌های مناطق مختلف دنیا بهره‌مند شده است. در این کتاب، کسینجر نشان می‌دهد که هنجارها به طور کلی از مرکز غربی به مناطق حاشیه‌ای پراکنده شده‌اند. بازیگران غیرغربی یا این ایده‌های جدید را پذیرفتند یا در برابر آن‌ها مقاومت کردند، اما به ندرت عامل پیشرفت بوده‌اند. با توجه به این مدل فکری، تاریخ به صورت فرایند رهبری غربی است که کسینجر بر نقش اروپا و سپس ایالات متحده در روند شکل‌گیری آن تأکید می‌کند. او بارها و بارها اشاره می‌کند که قدرت‌های غیرغربی مجبور به اتخاذ مجموعه‌ای از قوانین و مقرراتی هستند که در به وجود آمدنشان نقشی نداشته‌اند.

نویسنده در این کتاب صریحاً از جنگ‌های عراق، افغانستان و حضور نظامی آمریکا در سوریه به نام دموکراسی و انسان‌دوستی حمایت می‌کند؛ در حالی که تأثیر اقدامات آمریکا در بی‌ثبات‌سازی خاورمیانه و مشکلات

1. balance of power

ناشی از سیاست‌های این کشور در منطقه را نادیده می‌گیرد. کسینجر با دیدگاه یک رئالیست تمام‌عیار به مسئله قدرت و سیاست در نظام بین‌الملل می‌پردازد و نقش سایر عوامل را تقلیل می‌دهد یا نادیده می‌گیرد. او ایالات متحده را در مرکز نظم فعلی جهان می‌داند و به دنبال حفظ این برتری در مواجهه با چالش‌های پیش روی این کشور می‌باشد. در مجموع کتاب نظم جهانی یکی از جامع‌ترین کتاب‌هایی است که در رابطه با مسئله نظم بین‌المللی در حوزه روابط بین‌الملل به چاپ رسیده است و با توجه به ویژگی‌های نویسنده کتاب از نظر تأثیرگذاری در سطح ایالات متحده و به تبع جهان کم نظیر می‌باشد.

فصلنامه نقدکتاب

علم‌اندیشا

سال اول، شماره ۴-۳
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

۱۲۰

ارزیابی نهایی

کتاب نظم جهانی به قلم هنری کسینجر یکی از مهم‌ترین آثار در حوزه روابط بین‌الملل و به ویژه نظم جهانی است که از حیث نویسنده و تأثیرگذاری از اعتبار بالایی برخوردار است. این کتاب نه تنها برای افرادی که علاقه‌مند به مطالعه در حوزه سیاست و روابط بین‌الملل هستند از ارزش بالایی برخوردار است بلکه خوانندگان را با دیدگاه‌های جذاب در مورد تاریخ جهان، سیستم موازنه قدرت اروپا، نقش آمریکا در سیاست جهانی، نظم آسیایی، مشکلات خاورمیانه، نقش فناوری در نظم جهان معاصر و آینده نظم جهانی آشنا می‌کند. با توجه به دامنه تأثیرگذاری، این کتاب منبعی ضروری برای محققان، اساتید و دانشجویان روابط بین‌الملل به حساب می‌آید که مطالعه آن به تمامی علاقه‌مندان پیشنهاد می‌شود.

منابع

- کسینجر، هنری (۱۳۹۶). نظم جهانی: تأملی در ویژگی ملت‌ها و جریان تاریخ، ترجمه محمد تقی حسینی، تهران: علمی و فرهنگی، تهران.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۳). تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل، تهران: قومس.
- Hass, Richard, "What Happens When a World Order Ends", *Foreign Affairs*, Jan/Feb 2019.
- Hass, Richard, "World Order; the Case for Sovereign Obligation", *Foreign Affairs*, Jan/Feb 2017.